

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز

دوره پنجم ، شماره اول ، پاییز ۱۳۶۸

نگرشی بر شهر و شهرنشینی

حمدالله آصفی

دانشگاه آزاد اسلامی

واحد شیراز

خلاصه

انگیزه پرداخت به این مقاله گسترش پر شتاب شهر و شهرنشینی بصورت یکی از پیچیده‌ترین مسائلی است که جامعه انسانی با آن روبرو است .

رویارویی با پیچیدگی‌های شهرنشینی کنونی بدون شناخت پیشینه و فرآیند تاریخی شهرنشینی ناشدنی است . از این روی ، در این نوشته ، نخست به انگیزه‌های پیدایی شهر و فلسفه پیدایی آن اشاره می‌رود . سپس پیوند میان شهر و شهرنشین در روند تاریخی تحلیل می‌گردد . و سرانجام از چاره‌نگریها و چگونگی برخورد با تنگناهای شهری - خواه از دیدگاه فرهنگی و خواه از دیدگاه برنامه - ریزیهای شهری - سخن می‌رود .

پیشگفتار

فرآیند شهرنشینی بخشی از فرآیند زندگی اجتماعی انسان است . تا پایان سده هیجدهم میلادی هنوز شهرها گسترشی آرام داشتند . هر چند که به روزگار باستان در چین ، هند ، ایران ، یونان ، رم ، و تمدن سرخ پوستی آمریکا ، شهرهایی با ساختمان‌هایی چند اشکوبه بنیاد می‌یافت^۱ . هر چند که در سده‌های میانه ، برابر گزارش ناصر خسرو قبادیانی،

در شهر قاهره ساختمان‌هایی ۵، ۶، ۷ و حتی ۱۰ اشکوبه برپا می‌شد.^۲ و یا هر چند برابر گزارش ابن حوقل، شهر بندر سیراف ساختمان‌هایی ۱۰ اشکوبه‌ای داشت.^۳ اما، به هر رو پایین بودن نرخ افزایش جمعیت، از یکسو و نبود فناوری پیشرفته و کندی ابزارهای ترابری از سوی دیگر نمی‌گذاشت که شهرها به گونه‌ای غول‌آسا درآیند.

از آغاز انقلاب صنعتی، یعنی از آغاز سده نوزدهم میلادی، شهرسازی، شهر-نشینی، و گسترش شهر دگرگونه گشت. هر چند که این دگرگونی از ایالات متحده و اروپا آغاز شد اما دیری نپایید که سراسر جهان را به زیر تأثیر گرفت. در سال ۱۷۹۰، نزدیک به ۹۵ درصد جمعیت ایالات متحده در روستاهایی با جمعیت ۲۵۰۰ نفر می‌زیستند.^۴ در سرزمین خود ما نرخ کوچ از روستا به شهر تا سال ۱۳۴۰، از مرز ۲/۲ درصد فراتر نمی‌رفت.^۵ اما فرآیند شتاب گسترش شهرها و فزونی جمعیت آنها به گونه‌ای گشته که اگر به همان گونه بماند (که اینک هست) در آغاز سده بیست و یکم میلادی تنها در کشورهای پیشرفته ۸۰ درصد جمعیت در سامان‌های شهری به سر خواهند برد.^۶ و یا در نیمه نخست این سده، شهری چون توکیو با ۳۰ میلیون جمعیت، یوکوهاما و همه پیرامون خلیج تسوکیو را در بر خواهد گرفت. و یا لندن بیشترین بخش جنوب خاوری انگلستان را خواهد بلعید و بوستون از راه نیویورک به شهر واشنگتن خواهد پیوست.^۷ در میهن ما، هم‌اکنون ۶ شهر بزرگ ۲۱ میلیون نفر از جمعیت ۵۵ میلیونی کشور را در خود جای داده‌اند.^۸

به هر حال، جهان کنونی جهان شهری شده‌ای است و فناوری و ابزارهای ارتباط پهنه زمین را به مجموعه‌ای از شهرها در خواهند آورد، و چه بسا که ره یافتن بیشتر به ستارگان و بهره‌گیری بیشتر از یافته‌های دانش در باره روی دریا و زیر دریا اندیشه و برداشت ما را، در زمینه شهرنشینی، از بنیاد دگرگون سازد. این، نیز روشن است که دانش و فناوری امروز، ارمغان‌هایی را برای شهرها آورده‌اند که در پندار انسان روزگار باستان و سده‌های میانه نمی‌گنجید. اما بهره‌گیری شتاب‌آلود و سوداگرانه از داده‌های دانش، عظمت و زمختی نگران‌کننده‌ای را جانشین سادگی و زیبایی مینیاتوری شهرهای پیشین کرده است. هر چند که شهر، همانند هر پدیده دیگر، بیم و امید در انسان بر می‌انگیزاند اما غول‌آسایی شهرهای کنونی بی‌س فزونتر از امید می‌آفریند و پرسش دیرینه انسان از خویش را که: "من در چه موقعیتی هستم؟" حادثتر می‌سازد. شهرنشینی کنونی به مثابه موقعیتی که هستی اجتماعی کنونی و آینده نزدیک و دور انسان را رقم می‌زند گرفتار بیگانگی، بزهکاری، کمبود، غوغا (سرسام)، بریده شدن از طبیعت و

و حتی نابودسازی طبیعت است.

در آفرینش این موقعیت بیم‌انگیز، رد پای عامل‌هایی چون عامل‌های زیرین را می‌توان یافت:

(۱) چیرگی فن سالاری و سودگرایی که از یک سو، به رنگ باختن بسیاری از ارزش‌های انسانی و زیباشناختی می‌انجامد، و از دگر سو، ثروت‌های تحدید ناپذیر طبیعت را تهدید می‌نماید.

(۲) چیرگی قدرت گرایی بر وجدان اخلاقی که دولت‌مردان را می‌دارد تا در برابر نیازهای شهروندان، مسکن دادن را بر درمان کردن برتر بشمارند.

(۳) فزون‌یابندگی افزایش زایش و رشد جمعیت که ریشه در فقر فرهنگی دارد.^۹

(۴) نابرابریهای اجتماعی و نابرابری در توزیع امکاناتها که کوچ‌های فاجعه‌آمیز و تراکم‌های جمعیتی ویرانگر را در پی می‌آورد.

ما نمی‌توانیم به شهرنشینی گذشته بازگردیم، و نیز نمی‌توانیم در اکنون شهرنشینی خویش بمانیم. رهسپاری به سوی آینده‌گریز ناپذیر است. اما این گریز ناپذیری نمی‌تواند و نباید جلوگیر آن باشد که این رهسپاری را هر چه بیشتر انسانی کنیم.

در راه انسانی‌تر کردن این روند نیاز است که موقعیت شهرنشینی و فرآیند تاریخی آن را بشناسیم، شیوه برخورد با عامل‌های زیانبار را بیابیم، و تضاد میان عامل‌های سودمند را به هماهنگی و همخوانی بدل سازیم. مقاله با این نگرش و بر این بنیاد نوشته آمده است.

تعریف شهر

واژه شهر، در زبان‌های ایرانی، پیشینه‌ای بس کهن دارد. بخش نخست واژه اوستایی خشتروئیریه^{۱۰} (شتریور در زبان پهلوی و شهرپور در زبان فارسی) به معنی شهر هم هست. در زبان پهلوی "خشتیر" به "شستر" بازگشته شده و در زبان فارسی شهر جای شتر نشسته است.^{۱۱} در زبان‌های باستانی ایران، واژه شهر به جای کشور هم به کار می‌رفت. این شیوه در ایران سده‌های میانه نیز، کاربرد داشته است.^{۱۲}

شهر را می‌توان از دیدگاه‌های گونه‌گونی تعریف نمود:

— سامانی است که ... نفر نشین دارد. در این تعریف، معیار بازشناسی شهر از

ده و روستا ، بیشتر بودن شمار نشیمان آن است .

— حوزه کار شهرداری است . این تعریف از یک سو ، مرزینہ شهر را از شهرستان باز می‌شناساند ، و از دگر سو ، مرزینہ آن را با ده و روستا باز می‌نمایاند .

— یک شخصیت حقوقی حقوق عمومی است . این تعریف یک حوزه اقتدار سازمان یافته و یک نهاد وظیفه‌مند را به یاد می‌آورد .

— نمود و نمادی از اندیشه است . ۱۳ "اندیشه" آمده در این تعریف خود آفریده و زاده روند زیست تاریخی انسان می‌باشد .

— ساختاری بلور گونه است که تکه‌های پر سازنده خود را باز می‌نمایاند . این تعریف نظر به چندگانگی بنیان‌یابی و پویایی شهر دارد .

— "می‌توان از نظر جامعه شناسی ، شهر را محل سکونت وسیع ، دائمی و متراکم افرادی که از نظر اجتماعی ناهمگونند ، تعریف کرد" ۱۴

— از دید اسوالد اشینگر "مفهوم شهر برای انسان متمدن به گونه مفهوم خانه برای دهقان است . همان گونه که خانه خدایان خانواده را دارد ، شهر نیز الهه محافظ خود

و قدیس خود را داراست . شهر نیز مانند کلبه دهقان ریشه در خاک نهاده است" . ۱۵

— اززا پارک ۱۶ چنین بیان می‌دارد که : "شهر محصول طبیعت بشر است" ۱۷

— از دیدگاه ماگس وبر "شهر باستانی و شهر قرون وسطایی تکامل یافته عبارتند از نوعی اتحاد برادرانه" ۱۸ .

— امیل دورکیم شهر را "امکان همبستگی‌های ارگانیک" می‌داند . ۱۹

— برخی نیز بوم‌شناسانه به تعریف شهر پرداخته‌اند . ارنست برگس ۲۰ و رودریک مک کنزی ۲۱ ، در بیانیه خود ، شهر را یک "ارگانیزم اجتماعی" و "محل اسکان طبیعی

انسان متمدن" تعریف کرده‌اند . ۲۲

هر چند که هیچ یک از این تعریف‌ها به تنهایی بیانگر تمامیت شخصیت شهر نیست اما همه آنها نشان از آن دارد که شهر بر بنیاد افق و چشم انداز تمدن بالیده می‌گشته و بزرگ می‌شده است . گستره تمدن هم ، در سراسر تاریخ ، چیزی مگر همان گستره نیاز و ضرورت زندگی جامعه انسانی نبوده است .

در نخستین برخورد چنان انگاشته می‌شود که بیشتر شهرها همان روستاهای گسترش یافته‌اند ، اما همواره چنین نبوده است . در واقع انگیزه‌های بنیاد یافتن شهرها بسی نهادی‌تر و پیچیده‌ترند . از همین روی ، برجسته‌ترین انگیزه‌های بنیاد یافتن شهرها را به دو دسته بخش نموده و هر یک را جداگانه به بررسی می‌گیریم .

انگیزه‌های پیدایی شهر

الف: انگیزه‌های اقتصادی:

۱- کاهش وابستگی انسان به زمین، نخستین نیروی اقتصادی که کار آزاد شده از کشاورزی را فراگرد آورد و دوباره آن را به شیوه‌ای نو در خط تولید انداخت همانا بازرگانی بود. بازرگانی از سویی نهادهای ویژه خود را می‌خواست و، از دگر سو با گرم نمودن بازار داد و ستد زمینه گسترش و افزایش کارگاه‌های صنعتی را فراهم می‌آورد. آمیختگی (انتگراسیون) اقتصادی این دو تمرکز جغرافیایی اضافه تولید را به مشابه یک فرآورده اجتماعی - عملی می‌ساخت و همین تمرکز جغرافیایی خاستگاه بسیاری از شهرها گشته است. ۳۳

۲- راه، بندر، ترابری، از روزگاران باستان، بسیاری از شهرها ارفغان بنیادپایی این و یا آن راه بزرگ بوده‌اند. در میهن ما اندیشک و درود ارفغان راه آهن می‌باشند. چه بسیار شهرها بوده‌اند که با برافتادن راه‌هایی چون "جاده ابریشم" از میان رفت‌اند. ۳۴ آب نه تنها بن مایه زیست است و تمدن‌ها در کنار جویبارها و رودها بالیدن گرفته‌اند که سده‌های بسیار راه‌های آبی کم خطرتر از راه‌های خشکی به شمار می‌رفته‌اند. افزون بر این، تمدن‌های جزیره‌های تمدن‌های بندری بوده‌اند. نیز، تا پیش از پیدایی هواپیما و راه‌های هوایی، آن سرزمین که راه به بندر نداشت چونان انسانی بود که دشمن گلوبش را فشرده باشد. با لندگی شهرهای قاره آمریکا و جزیره انگلستان از سده شانزدهم میلادی، راه‌آورد کشف دریایی و، به سخن دیگر، پیدایی راه دریایی میان اروپا و قاره نو یافته بوده است.

در زمینه نقش ترابری توان گفت که نمو و گسترش شهرهایی چون شهرهای انگلستان و، در همسایگی میهن ما، شهرهای کویت، دوی، ریاض، و جدّه به پشتوانگی ابزارهای ترابری است. انگلستان خوراک بیش از دو هفته خود را ندارد و شهرهای جنوب خلیج فارس بخش بزرگی از خوراک و گاه و بیگاه پوشاک خود را از کشورهای دور و نزدیک خویش فراهم می‌سازند.

۳- کانسار و کارخانه، بسیاری از شهرها، به ویژه از آغاز انقلاب صنعتی، در کنار کانسارها و کارخانه‌ها به هستی آمده‌اند. در میهن ما مسجد سلیمان، آغاچاری، گچساران، و هفتگل در کنار کانسارهای نفت بنیاد یافته‌اند. شهر - بندر آبادان در پی بنیاد یافتن یکی از بزرگترین پالایشگاه‌های جهان در میانه آروند رود و بهمنشیر به هستی آمده است.

۴- "ماشین" به مثابه فراهم آورنده امکان. اگر سده‌های بسیار انسان به دنبال آن می‌گشت که در کجا امکان بنیاد شهر را بیاید. امروزه نیروی "ماشین" می‌تواند امکان‌ها را به هر جای بی‌امکان ببرد و زمینه بنیاد یابی شهر را فراهم آورد.

ب - انگیزه‌های اجتماعی:

۱- نمود یافتن (نمود دادن) نمونه‌های آسمانی. در کیهان شناخت و باورهای اسطوره‌ای و دینی بسیاری از اقوام هر آنچه در جهان مادی به پیدایی می‌آید و از جمله شهر نمونه‌ای از یک هستی مینوئی و آسمانی است. ۲۵ در باور اسطوره‌ای ایرانی زمین نمود مادی و سنن آرمشیتی (سپندار مذ) است. بر بنیاد همین باور هر شهر که ساخته می‌شود باید تقلیدی از شهر یور (= شهر آغازین یا شهرستان نیکوئی ۲۶) باشد. دانشی مردانی چون فارابی و بوعلی سینا، که به مدینه فاضله (کامشهر یا داد شهر) پرداخته‌اند، بیرون از شعاع تأثیر این گونه باورها نبوده‌اند.

در باور اسطوره‌ای بابلی نمونه مینوئی شهر سیپارا ۲۷، در ستاره خرچنگ (سرطان) است. اورشلیم یهودیه نمونه این جهانی اورشلیم مینوئی است. نمونه مینوئی نینوا در ستاره خرس بزرگ (دب اکبر) و نمونه مینوئی آشور در ستاره سماک رامج می‌باشد. ۲۸

در هند و سیلان، نیز، به همین باور اسطوره‌ای درباره پیدایی شهر بر می‌خوریم. ۲۹ بر بنیاد اسطوره‌ای سیلانی، شهر سیه‌گری ۳۰ از روی نمونه مینوئی آلاکامندا ۳۱، که خود در چکاد کوه همالایا جای دارد، ساخته شده است. ۳۲

در باور شینتوئی ژاپن، ایزد مرد ایزاناکی و ایزد بانوی ایزانامی هنگامی که بر روی پل رنگین کمان فردوس ایستاده بودند نیزه در دریا کردند و از چکه چکیده از نوک نیزه آن دو سرزمین ژاپن به هستی آمده است. ۳۳

"نیک شهر" افلاتون و "شهر خدا"ی سن آگوستین هم بر بنیاد باورهای میتافیزیکی و فراسوفی طرح‌ریزی و یا، درست‌تر گفته‌آید، آرزو شده‌اند. نمونه آغازین "نیک شهر" افلاتون در جهان "مثال" است. ۳۴ و سن آگوستین نیز، "شهر خدا"ی خود را بر بنیاد آیه‌هایی انجیلی چون آیه زیرین نوشته است: "بزرگ است خداوندی که خرگاه وی در شهر خدا بر فراز جبل مقدسش برافراشته شده... ۳۵. "شهر خدا"ی سن آگوستین تنها جای هابیلیان است. ۳۶ افزودنی است که در بیشتر باورهای اسطوره‌ای شهر، یا پرستشگاه مقدس، ناف یا کانون گیتی انگاشته می‌شود. ۳۷

۲- انگیزه‌های دینی. افزون بر آن که در سراسر دوران کهن - خواه در باستان و خواه در سده‌های میانه - پرستشگاه و بازار دو محور بنیادی زندگی شهر بودماند.^{۳۸} بسیاری از شهرها ارمغان بنیاد یابی زیارتگه و پرستشگاه می‌باشند. اورشلیم، مکه، نجف اشرف، کربلا، مشهد و... در این شمارند. این نیز، یاد کردنی است که بخش‌هایی از باورهای اسطوره‌ای در باره بنیاد شهر و پرستشگاه، یاد شده در بند پیشین، از روند بسیاری از شاخه‌های دینی دنباله یافته‌اند.

۳- انگیزه‌های اداری - سیاسی - نظامی. بسیاری از شهرها با این انگیزه‌ها به پیدایی آمده یا گسترش یافته‌اند.^{۳۹} تختگاه‌های هگمتانه، تخت جمشید، بسیاری از سلوکیه‌های پس از فروپاشی فرمانروایی هخامنشی، کنستانتینوپول (قسطنطنیه) فاتح پورسیکری^{۴۰}، ورسای و وین در این دسته جای می‌گیرند. جان کنت گالبریت^{۴۱} این گونه شهرها را ((شهر خانوار سیاسی)) می‌نامد.^{۴۲}

گزینش و یا گسترش غول‌آسای بسیاری از شهرها برای پایتخت - و در پی دگرگونیهایی سیاسی و یا جابجایی قدرت - هم از این گونه انگیزه‌ها مایه می‌گرفته‌اند. توکیو به جای کیوتو، بغداد به جای تیسفون، تهران روزگار آغامحمدخانی به جای شیراز دوران کریم‌خانی، بن در آلمان باختری به جای برلین در آلمان یگانه، تل آویو در فلسطین اشغالی، و اسلام‌آباد در پاکستان در این مقوله می‌گنجد. همچنین، به روزگاران گذشته، شهرها یا دژهایی به خواست این و یا آن فرمانگزار بنیاد می‌یافت. نام‌هایی چون اسکدریه، دارابگرد، پتروگراد و... نمودگار این پویه‌اند.

کوچ‌های بزرگ، زاده پیروزی یا شکست، هم به پیدایی شهرهایی انجامیده است. پیروزی مسلمانان، به ویژه در سه سده نخست اسلام، کوچ‌های بزرگی از قبیله‌های عرب را در پی آورد که این خود پیدایی شهری چون بصره و بسیاری شهرهای دگر در میانرودان، سوریه، و شمال آفریقا را انگیزه گشته است. کوچ بزرگ ارمنیان به دوران شاه عباس صفوی، که به ویژه زیر تأثیر شکست آنها از عثمانی صورت گرفت، پیدایی دو شهر جلفای آذربایجان و جلفای اصفهان را در پی آورد. کوچ‌های زاده کشف قاره آمریکا و کوچ‌های استعماری، هر چند که خصلت‌های بازرگانی و حتی فرهنگی هم داشتند اما باز پیشینه آنها با پیروزی یافتن اروپائیان و یا، به سخن دیگر، با شکست یافتن صاحبان اصلی سرزمین‌ها انجام پذیرفت. این کوچ‌ها نیز به بنیاد یابی شهرهای پر شمار در تیمکره باختری، اقیانوسیه، سیبری، آسیای میانه، و آفریقای میانه و جنوبی انجامیده است.

فلسفه پیدایی شهر

در جامعه‌شناسی یا "حکمت عملی" کهن این نگره بر اندیشه‌ها چیره بود که با تکیه بر اصل "گوهسر" به تعریف انسان بپردازند. از این روی گفته می‌شد: انسان جانوری اجتماعی و شهر سرشت^{۴۳} است. اما امروز، گرایش بیشتر آن است که جامعیت آلی و مجموعه کارکردهای انسان پایه و سنجه تعریف او قرار گیرد و برای نمونه گفته آید: انسان آن جاندار ابزار سازی است که همواره ابزار سازی خویش را تکامل می‌بخشیده است. یا: انسان جاننداری تکامل بخشنده است. و یا: انسان آن جاننداری است که شناخت و بیافت خود را به گونه‌ای عینی، نمادی (سمبولیک) می‌سازد.

در تعریف‌های کهن سرشت (طبع و غریزه) سنگ بنیاد به شمار می‌آید. همچنان که در تعریف‌های نوین کار و "عمل" ^{۴۵} بنیان نگره است. گفتنی است که امروزه برداشت از سرشت بسان برداشت از گذشتگان نیست. در دانش نوین، سرشت نه آن نهاد دگرگون ناپذیر و همواره یکسان، که نهادی شناور در شرایط دانسته می‌شود. ^{۴۶} ساخت‌ها و کنش‌های مردمان فرآورده و بهره سازگاری‌اند. ^{۴۷} از این دیدگاه، شهرنشینی و گروه‌گرایی انسان پیامد روند زیست تاریخی اوست.

با این پیش‌آگاهی‌ها چند نگره در باره فلسفه پیدایی شهر را، هر چند کوتاه، پیش می‌نهیم. ابن خلدون فرزانه تونسسی، که نگرش‌هایش در زمینه جامعه‌شناسی، هنوز هم از ارزش فراوان برخوردارند می‌گوید: مردمان زیر فشار نیاز زندگی ^{۴۸} به ساختن شهر می‌پردازند، بنیاد آغازین شهر در گرو پیدایش گروه‌های انبوهی از مردمان است. این گروه‌های انبوه آن هنگام به بنیاد شهر می‌پردازند که، در زمینه‌های گونه‌گون توان دستیابی به ابزارها و بن‌مایه‌های مادی را پیدا نمایند. ^{۴۹} این توانایی آن برانگیختگی یا همبستگی را به هستی می‌آورد که بهره‌اش پیدایش دولت است. بدین سان، از دید ابن خلدون، شهر و دولت همچون دو همزادند. ^{۵۰}

هگل، فرزانه آلمانی، بر آن است که جامعه شهری بهره منطقی پراکنش و گسترده‌گی خانواده است. از دید ابن فیلسوف، تا هنگامی که خانواده نماد برترین گروه اجتماعی بود فرد درون خانواده نه "غایتی" به شمار می‌آمد و نه هستییی آزاد و خود سامان داشت. به دیگر سخن، تا زمانی که خانواده تنها ساخت (صورت) جامعه بود عضو خانواده از "من" بودن بهره نداشت و هستی او در برابر، و برای نهاد برین، فرجامین و فراقیمر، یعنی خانواده، بی‌رنگ می‌گشت. ^{۵۱}

اما خانواده، در پی زاده شدن فرزندان و فزونی شمار اندام‌های آن، روی به پراکندگی و گونه‌گونی گذاشت و از ساختی یگانه به ساختی چندگانه بازگشته شد. از این روی آن ویژگی نمایان خویش، یعنی ساخت یگانه و "غایت" بودن را، از کف داد. در اینجا بود که فراگیرندگی خواست و سود و سودای خانواده جای به خواست و سود و سودای فرد داد. طبیعی بود که فرد به دنبال آرمان خویشتن خواهانه و خود پرستانه خویش رود و اخلاق چیره پیشین، یعنی پایگاه خانواده در برابر ایستار (موضع) او، کم ارزش‌تر گردد. کوتاه سخن آنکه، از دیدگاه هگل جامعه شهری بر پایه "خودپرستی هوشیارانه" فرد بنیاد یافته است. ۵۲

هگل بر روی چگونگی گذار از هستی در خانواده به هستی در جامعه شهری درنگ بسنده نمی‌نماید. اما این خلدون این چگونگی را، به شیوه خویش، پاسخ می‌گوید. او بر آن است که خویشاوندی خونی (نسب) در خانواده نخستین هسته مرکزی گروه‌های اجتماعی است. این نخستین گونه همبستگی از گرایش غریزی انسان سرچشمه می‌گیرد. این خویشاوندی هر چند که برانگیزاننده "عصبیت" است اما نمی‌تواند پشتوانه پایایی و گسترش پیوسته گروه باشد. از این روی انگیزه‌ها و کارسازهای دگر همچون بازرگانی، همسودی، و همسویی مادی نقش آفرین گشتند. ۵۳

در نگره تضاد تاریخی پیدایی شهر همزمان با پیدایی جامعه پایگانی (طبقاتی) دولت بوده است. به زبان دگر با پیدایی لایه‌های اجتماعی شهر تختگاه قدرت لایه چیره شده است. لایه‌ها هم خود برآمده از انباشت دارایی‌اند. گوردن چایلند تاریخ نگار، باستان شناس و جامعه‌شناس در همین راستا می‌نویسد که انقلاب دوم (انقلاب شهری) در تاریخ جامعه پذیری انسان، نیاز به انباشت دارایی و پیش از آن به انباشت مایه‌های خوراکی داشت. انباشت مایه‌های خوراکی هم میبایستی به آن اندازه برسد که بشود آن را به آسانی در راه خواست‌های اجتماعی بکار برد. ۵۴

از چشم انداز این نگره، آنجا که تضاد پایگانی آغاز می‌گردد پیوند میان لایه‌های اجتماعی حتی در گسترش عادی جامعه، آفرینش‌گر پویش و نمادگر دگرگونی است. بهره این برداشت آن است که سازمان پایی بوم‌شناسانه جامعه، و هم نظم چیره، در پیوند میان شهر و روستا بازتاب همان پیوندهای پایگانی جامعه می‌باشند. باورمندان به این نگره می‌گویند این گمانه که شهر در پیرامون بازارگاه به پیدایی آمده است چیزی از ارزش دیدگاه آنان نمی‌کاهد، چرا که بازارگاه خود وابسته به گسترش بازرگانی و یا انباشت دارایی است.

هم گردون چایلد و هم بسیاری پژوهشگران دیگر، گام‌های پیشرفت و تکامل جامعه انسانی را با سنجۀ فناوری بررسی می‌نمایند. چایلد فناوری را یک دگرگون ساز همیشگی بشمار می‌آورد. برای چایلد و هم اندیشانش، فرآیند دگرگونیهای جامعه انسانی از آغاز تا کنون: (۱) روزگار دیرینه سنگی (روزگار گردآوری خوراک)، (۲) "نوسنگی" (روزگار پیدایی روستا و کشت و ورز و به کارگیری چهارپایان)، (۳) روزگار انقلاب شهری، و (۴) روزگار انقلاب در دانشها را پشت سر نهاده است. ۵۵ اما هم گوردن چایلد و هم بسیاری دیگر از کتکاشگران در بارۀ جامعه و جامعه‌شناسی، در حالی که نقش فناوری را بگونه یک دگرگون ساز نیرومند و تاریخ ساز پذیرایند، آن را در پیوندی گسست ناپذیر با گرایشها، فرهنگها و کنشهای اجتماعی بررسی می‌کنند. ۵۶

چایلد می‌گوید فناوری تا زمینه بازار و تقاضا نداشته باشد به پهنه نمی‌آید. ۵۷ شرویدینگر دانشمند نامدار ریاضی - فیزیک این نگرش چایلد را بدین گونه بازگو نمود که دانش "مد" زمانه است. ۵۸ کی‌روشه ۵۹ فناوری را "بخشی" و "عنصری" از فرهنگ بشمار می‌آورد. ۶۰ آرنولد پیسی ۶۱ "فناوری - عمل" را در کنش متقابل با انگیزه‌های اجتماعی می‌داند. ۶۲ و از دیدگاه سولی زوکرمین ۶۳ جامعه و فناوری بازتابهای یکدیگرند. ۶۴ هنگامی که گفت و گو از پیدایی مادرشهر (کلان شهر) ۶۵، ابر شهر، کانون شهر (میانین شهر)، ۶۶ و شهرهای اقماری روزگار پس از انقلاب صنعتی است و با هنگامی که از گرایش به حومه نشینی زمانه کنونی و بهره‌گیری از یافته‌های رایانه‌ای تا میکروالکترونیک در همه شاخه‌های زندگی و، از جمله شهرسازی، سخن می‌رود آنگاه پرداختن به دیدگاههای یاد شده، در بالا ارجح بیشتری می‌یابد.

با هر نگره که به خاستگاه شهر نگریده شود ارفغان‌های نیک و بسد شهر نشینی زندگی انسان را به زیر پرتو خود گرفته و می‌گیرد. شهر همواره انسان را هم نوید می‌داده و هم نگران می‌ساخته است. از یک سو، آنچه را که ما تمدن می‌نامیم و بدان می‌بالیم و بر آن چشم امید می‌نهیم ره آورد شهر نشینی می‌باشد. دو دیگر آن که شهر نشینی، بیگانگی، تنهایی فراوان، طبیعت کشی، سرسام، و شمار بسیاری پیامدهای ناگوار دیگر داشته و دارد. سه دیگر آن که روند زیست انسان تا آینده‌های دور روندی شهرنشیتانه خواهد بود.

پیوند شهر و شهرنشین

یکم: برخی تأثیر پذیریه‌ها و تنگناها، اگر ناشدنی است که امروزه از

چگونگی زندگی در شهرهای آینده روی دریا، زیردریا، زیرزمین، فضا، و یا در ستارگان دور دست سخن گفت، اما شهرهای زمینی کنونی و تنگناهای آنها مسأله اکنون انسان‌اند، پژوهش در باره منش‌ها و روش‌ها و تنگناهای شهرنشینی همواره بنیادی برای چارماندیشی در باره بهسازی شهر و بهبود شهرنشینی بوده است. آنچه هراپنگی این گونه پژوهش‌ها را بیشتر می‌ساخته آن است که:

انسان از سویی همواره در کار فراروی (تعالی) از خویشتن می‌باشد، و از دگر سو شهر یک مجموعه بهم بافته، و یا یک هستی‌مند اندام‌آرامی است که پیوسته در روند دگرگونی و شدن می‌باشد. شهر و همه شاخه‌های زندگی انسان - دین و آئین، حقوق، اخلاق، هنر، معماری، جنگ، تنگی و خشکسالی و داد و ستد - در کنش متقابل با یکدیگرند. برای نمونه:

ایمان انسان مسلمان به اراده خداوندی، شهر مکه را چنان مرکزیتی می‌دهد که در هر گوشه جهان که مسلمانی هست، سمت و سوی خانه و مسجد و گورستان او را زیر تأثیر قرار می‌دهد و کعبه مکه "... چنان است که در منتهاالیه تحتانی محوری که همه افلاک را قطع می‌کند قرار گرفته و این گواهی صادق برای ارتباطی هست که میان جهت‌گیری تصاویر دینی از یک سو و اسلام به عنوان توکل و تسلیم در برابر اراده الهی، از سوی دیگر وجود دارد..." ۶۷

بن مایه‌های زیستی مانند آب، سوخت و ... گه‌گاه برای شهر به گونه چشم اسفندیار و یا پاشنه آشیل در می‌آیند. هنگامی که دشمن، در سال ۵۵۰ پیش از میلاد می‌خواست هگمتانه، پایتخت ماد، را وادار به پذیرش شکست نماید روند آب شهر - روند کاریزها - را جابجا نمود. ۶۸ امروزه نیز، شهرهای بزرگ از گاهش بن مایه‌های زیستی - آب خوراک و ... - در هراس به سر می‌برند.

موقعیت تاریخی - جغرافیایی و جنگ چهره بسیاری از شهرها را دگرسان می‌سازد. در ۷ سده پیش از میلاد، دیالکو نخستین پادشاه بزرگ ماد، شهر هگمتانه را چنان ساخت که هرودت آن را چنین می‌شناساند:

"... حصارهای شهر به شکل دایره متحدالمرکز ساخته شده ... هر حصار "فقط به قدر ارتفاع کنگره‌ها از حصار پیشین بلندتر بوده ... و "چون شماره این حصارها به هفت می‌رسید دقت مخصوص بکار بردمانند، تا گاه سلطنتی و خزانه را در آخرین حلقه درونی جای دهند ..."

در جنگ جهانی دوم ، برلن بگونه سنگری از پیش آماده شده برای پدافند در آمده بود . هر خانه می توانست سنگری برای پیکار و پدافند باشد - خانه هایی با دیوارهای آجری به پهنای یک تا یک متر و نیم . به همین انگیزه ، کونیف فرمانده جبهه یکم بیلوروسی شوروی که با مارشال ژوکف ، فرمانده جبهه یکم اوکرائینی ، در گردگیری و گرفتن برلن نقش داشت می نویسد ؛ فرماندهی شوروی می دانست که پیکار برلن بیشترین فشار را بر ما خواهد آورد. ۷۰

پیشهوران بخشی از ستون مهره های شهر می باشند . اما بسیار پیش آمده و می آید که این گروه بگونه یغماگران دارای پروانه کار در می آیند . در ۷ سده پیش ، شهردار (پسا محتسب) نیرومند و نرمش ناپذیری چون ابن اخوه ، نیرنگهای پیشهوران را یاد می نماید و شکردهای آنان را می شناساند . او می نویسد :

برخی زعفران را با گوشت مرغ خانگی یا گاو می آمیزند
 بدینسان که گوشت را در آب می خیسانند و بعد
 بدان نمک می پاشند و خشک می کنند و به زعفران
 همی آمیزند . زعفران قلبی را بدین شناسند که اندکی
 از آن در سرکه می خیسانند اگر به هم پیوست و فراهم
 آمد مغشوش و گرنه خالص است . ۷۱

امروزه نیز ، سماق قلبی ، داروهای قلبی ، دستمال کاغذی های قلبی و مانند آنها ، درگیری کارگزاران شهری و آزدگی وجدان جامعه را در پی می آورد . نخبگان (اشراف) که در سراسر تاریخ شهرنشینی ، بیشترین بهره را از زندگی شهری برده اند ، از پیامدهای ناگوار این زندگی برکنار نمانده اند ؛ به روزگار باستان دارتدگی رم ، به شیوه ای ، به زیبان لایه نخبه (اشراف) شد . بدینسان که بزرگان رم آب چشمه سارها و جویبارها را به کمک شبکه لوله کشی به کاخهای خود می آوردند . در آن زمان ساده ترین راه ساختن لوله ، بهره گیری از سفال یا سرب بود . سرب از سفال برتر شمرده می شد و کسی هم از تأثیر خطرناک آن در سترون سازی جنسی آگاهی نداشت . ازیراه ، بهره گیری پیوسته از لوله سربی به سترون شدن شمار فراوانی از نخبگان می انجامید . امروزه نیز ، در شهرهای پر خواسته آلمان ژاپن ، آمریکا و . . . در پی بهره گیری فزون از اندازه از تلویزیون و آبجو ، کاهش بینایی ، فریبی و سستی مردمان افزایش یافته است .

روزگاری شهرهای بزرگی چون رم باستان با شورش بردگان در هم ریخته می شد

و امروزه هم اعتصابهای پی در پی شهرهای کلان را از نفس می‌اندازد .
پیشرفت‌های صنعتی شهر را گسترانید ، کاخ دولتمند شهری (بورژوا) را بر
دژخاوند (فتودال) برتری داد ، روستا نشین را به شهر آورد و کانون قدرت را از دژ به
شهر کوچانید . اما در همین شهر صنعتی ، کارفرما و کارگر در برابر هم ایستاده‌اند و این خود
موج تازه‌ای از بدبینی‌ها را به هستی آورده و پیکار سازمان یافته دیگری را در درون شهر
آغاز نموده است .

به روزگار ما ، که روزگار چیرگی و فرمانروایی فناوری و ماشین است ، گونه‌گونی
شگفت‌انگیز نیازها - که در پی خود پیچیدگی کارها بویژه در شهرهای بزرگ را به میان
می‌آوردند - بزرگترین و سخت‌ترین مسایل را پیش روی کارگزاران دولتی و شهری می‌نهند .
از سال ۲۰۰۰ ، دو سوم مردم روی زمین در شهرها و شهرک‌ها زندگی خواهند کرد و صدها
شهر با بیش از یک میلیون نشیمن بر کره کوچک خاکی ما نمودار خواهند شد . ۷۲ نشیمن
گشتن بیش از اندازه انسان در شهر مسائلی چون :

- کوی‌های پلشت و فقیرنشین و فشردگی جمعیت ، که زمختی ، بیگانگی ، و روان‌پریشی

می‌آورد ،

- بیداد سر و صدا ، که آفسردگی ، روان نژندی ، سرسام و یا دیوانگی می‌آفریند ، و

- دیوآخال (زباله) ، که به زیست‌زدایی در سامان زندگی یاری می‌نماید ، همه و

همه پیش روی شهرنشینان و کارگزاران شهری خواهند بود .

حومه‌نشینی ، که با شتاب رو به افزایش است و واکنشی در برابر ناگواری زندگی

در شهرهای بزرگ می‌باشد خود زیانهایی تازه به انسان و بوم او می‌رساند . حومه نشین ،

در حالی که از تعهدهای شهری شانه تهی می‌کند ، زمین‌های آماده کشت را می‌گیرد و به

کشاورزی هم نمی‌پردازد . افزون بر این ، کارکردهای برون از برنامه و پیش‌بینی و درگیریهایی

تازه را رویا روی کارگزاران دولتی می‌گذارد .

دوم . چاره‌نگریها ، جهان‌کنونی جهان شهری شده است ، روند شهری شدن

جهان همچنان پرشتاب دنباله می‌یابد از این روی‌گریزی نیست که بسیجیدن در برابر

پيامدهای زیانبار شهرنشینی فزونی بسیار نباید . این کاری است که باید هم در زمینه

نگرش و فرهنگ و هم در زمینه برنامه‌ریزی و کارکرد به انجام رسد ؛

الف - در زمینه نگرش و فرهنگ

۱- شهرنشین باید بیاموزد که شهر را همچون یک مادر بنگرد . هر چند مادر

بردباری فراوان دارد ، اما به عنوان یک زن ۷۳ در برابر زمختیها رنجور و پژمرده می شود .
 ۲- باید گسترش آموزش به شیوه های انجام یابد که میانگین آگاهیه ها روز افزون شود .
 در آینده رایانه (کامپیوتر) روند دانش اندوزی را دگرگون می سازد و نیاز به تخصص فردی را کاهش می دهد . اما خود رایانه هم روی داده هایی که داده می شود پاسخگویی می کند ، بر این بنیاد باز انسان به عنوان نخستین پرسنده و واپسین تصمیم گیرنده بر جای می ماند .
 در این روند نگهداری از " مرکزیت " انسان و پایگاه انسانی ، آن هم در غوغای شهرهای بزرگ ، وظیفه های سنگین خواهد بود . آموزش باید چنان فرآیندی داشته باشد که ماشین و فناوری باور انسان را به توان و گنجایش انسانی خویش از میان نبرد . اگر چنین خواری از سوی ماشین و فناوری بر انسان روا شود برای بشریت زیانی جبران ناپذیر و حتی مرگبار خواهد داشت .

۳- باید به پیوندهای معنوی انسان شهرزی ارج بیشتری داده شود ، چرا که پیوندهای روانی و اجتماعی دست کم - اگر نه بیشتر - به اندازه پیوندهای مادی کارساز و سرنوشت سازند . دیری نمی پاید که بانوان خواهند توانست از دفتر کار یا از کارخانه خود و یا در حالی که در خیابانها رانندگی می نمایند به یاری رایانه ها آشپزخانه را به راه انداخته و از راه دور آشپزی کنند . در آینده راه ابزارهای رفتن به کارگاه ، کشتزار ، و دورترین جای زمین و حتی به ماه و ستارگان بهتر و پر شتابتر می گردد ، اما نباید گذاشت سمت و سوی مادی این گونه پیشرفتها به کشتن ارزشهای معنوی انسان بینجامد .

امروزه تلگراف ، تلفن ، تلویزیون ، روزنامه ، و هفته نامه و مانند آنها گزارشها و آگهیها را با شتاب هر چه بیشتر به دورترین جاها می رسانند ، اما چه بد که نخستین تماس تلگرافی مشهور تماس ابراهام لینکلن با خط آتش جبهه بود . با تلفن می شود پر شتابترین پیوند را با دورترین جاهای زمین برقرار کرد و چنان است که گویی روان گوینده به نزد شنونده می رود و دیگر نه دور بودن در میان است و نه تن و اندامی . ۷۴ اما بررسی کار نشان می دهد که بیشترین تماسهای تلفنی برای نیازها و نگرانیهای مادی است . برخی روزنامه ها در اروپا نشانی و شماره تلفن روسپیان و گاه ویژگیهای آنان را به خوانندگان آگاهی می دهند . ۷۵ شیوه های تبلیغ روزنامه ای و رادیو - تلویزیونی در باره چیزهایی مانند بهای زمین ، مایه ظرفشویی ، و ارزانی بهره وام بانکها توده های مردم را از خود و آینده خود می ترسانند . بسا که این فرآیندها زاده چیرگی ویرانگرانه فناوری باشد ، اما انسان نباید بگذارد که او نیز در این میانه از میان برود . رهایی در این است که همراه با آگاهیهای

فناورانه دانشهای در باره انسان، ادبیات، هنر، فلسفه، و حقوق گرمی بازار بیشتر بیایند. سده نوزدهم روزگار گرمی بازار دانشهای "دقیق" بود و عروج ماشین، دانشمند دانشهای اجتماعی در ۱۹۰۰ میلادی از سردی بازار هنر آزرده بود. اما در درازنای سده بیستم زایش ماشین چنان سرسام آورانه شده که جهان را چون مومی در دست متخصصان کمتر آگاه از دانشهای اجتماعی قرار داده است و بسا که در پایان این سده دانشمندان شاخه‌های اجتماعی در غم این سوگ بسی بیشتر مویه کنند.

۴- باید بیش از پیش در میان شهرنشینان این اندیشه گسترش یابد که رفاه را همانند سود همگانی و یا بهره‌مندی گروهی بشناسند. شهرنشین باید بیاموزد که نباید میان خواست‌های فردی و خواست‌های همگانی شکافی وحشتناک ببیند. در این راه باید از ساخت‌های انحصار گرایانه، چه در زمینه ساختمان و چه در زمینه بازار مصرف، جلوگیری گردد. حق باید به عنوان یک خواست کلی آموزش داده شود و زندگی در شهر یک همپاری، و نه یک امتیاز فردی، جلوه کند.

غوغای روز افزون شهرها، زمینه شناسایی همه شهرنشینان را دشوار می‌سازد. بدین سبب، برای کاهش بزه‌های درون شهر و بر ضد شهر، باید هم از آموزش و گسترش آگاهی‌ها کمک گرفت و هم کسانی را که آگاهانه و در راستای سود شخصی پایگاه انسانی را به حد یک ماشین پایین می‌آورند پادافره داد؛ "... زیرا کیفر دادن یعنی بشر را در خوبی و بسدی آزاد شناختن ... یعنی خوبی را خواستن".^{۷۶}

۵- این درست است که پرداخت مالیات، عوارض، و... همچون یک خونی‌شکاری (وظیفه) شناخته شود و به سخن دیگر مردم نباید در این زمینه همچون مردمان شهر لطفان گردند...^{۷۷} اما سازمانهای دولتی و شهرداریها نیز باید به سازمانهای از مردم و برای مردم - و نه بر مردم - باژگونه شوند. کارهای شهری باید به شیوه مردم سالارانه انجام گیرد. شهرداریها باید بیاموزند که بنیادهای مدیریت‌اند و نه حکومت. در این راه قانون نوشته و سازمان از شرطهای لازم‌اند اما بسنده نیستند. آزمون در برابر قانون و وفا - داری به هدفهای سازمان باید که در اندیشه و منش دست اندرکاران نهادی شود و گسرنه قانون و سازمان به ابزارهای کارگزاران دگرگون خواهند شد.

ب- در زمینه برنامه‌ریزی و کارکرد

برخی دانشمندان فیزیک به ما می‌گویند جهان از اصل دوم ترمودینامیک پیروی می‌نماید. به دیگر سخن، در جهان ما در هم آشفتگی (آنتروپی)^{۷۸} رو به فزونی و نظم رو

به کاهش می‌رود^{۷۹} این گزاره دانشی یادآور همان باور کهن به پایان یافتن و نابودی جهان است. اگر این گمانه را بپذیریم باید، به همان اندازه که مرگ تن خویش را می‌باوریم، مرگ پذیری گریز ناپذیر تمدن را هم بباوریم. با چنین باوری انگاره، "پیشرفت"^{۸۰} نباید معنی و درونمایه امید برانگیزی پیدا کند.

اما، برابر با نگره همان فیزیکدانان، در همین جهان گراینده به آشفتگی، جزیره‌های رها از آشفتگی نیز یافت می‌شود. دو دیگر این که امید دستیابی به پاد آشفتگی (آنتی-آنتروپی)^{۸۱} نیز امیدی بی جا نیست. سه دیگر آن که اینک ما چه می‌دانیم که پایان جهان چه هنگام روی خواهد نمود؟ گیریم چنان باشد که جهان روزی نابود خواهد شد. اسطوره ایرانی "کیومرث" می‌گوید: کیومرث (انسان) پیکار جو و پیشمرگی، آمده از مینو است و گیتی رزمگاه اوست.^{۸۲} با هر جهان بینی که بنگریم پیکار آبادگرانه نیز رهگشای به مینو است. از همین روی ما باید امیدوارانه به هستی پیرامون بنگریم و آن را سامان دهیم - شهر هم یک هستی پیرامون می‌باشد.

بر این بنیاد و تا آنجا که در چهارچوبی جامعه شناسانه یکنجد، در زمینه برنامه‌ریزی و کارکرد برای شهر، گوشه‌هایی آورده می‌شود. بهبود ابزارهای ارتباط نه تنها گستره ملی، که گستره جهانی را به سود پیوند میان انسانها کوچک خواهند کرد. دیری نخواهد گذشت که ابزارهای پیشرفته ارتباط، گستره زمین را چونان یک "جهان شهر"^{۸۳} در خواهند آورد و یا، به سخن دیگر، شهرهای گستره زمین بگونه یک مجموعه از شهرک‌های جهانی در خواهند آمد. از این روی، کارگزاران شهر باید، که با دوراندیشی و آینده - نگریمهای بلند نظرانه، به برنامه شهرسازی بپردازند. از آن جمله:

- در ایستار کنونی شهرسازی، بازسازی و نوسازی، شهر نباید جدا و بیگانه از برنامه‌ریزیهای ملی انجام گیرد. در این راه هم نه تنها باید از توازن بسوم شناسانه (اکولوژیک)^{۸۴} پاسداری نمود که باید با چیرگی اقتصاد بازاری در شهرسازی، سرسختانه به پیکار برخاست. باید از گسترش شهر در چارچوب خوش متن بد حاشیه و یا خوش حاشیه بد متن جلوگیری کرد. در بیشتر شهرهایی که اقتصاد بازاری گریبانگیر آنها است، گروههای کم درآمد یا به کناره‌های شهر رانده می‌شوند و یا آن که زمینه می‌یابند، و در عمل روادید می‌گیرند - که "حلبی آباد نشینی" و "زورآباد نشینی" را راه و روند درآمد خویش سازند. همچنانی که لایه دارا نیز این یا آن گوشه شهر را بگونه "جزیره امن" خود و "کوی از همه بهتران" در می‌آورد^{۸۵} و، بدین شیوه، شهر بر ضد خویش پاره پاره

می‌گردد و همچون مجموعه‌ای از تکه‌های ناچور و ناهمگن و ناهماهنگ، که بر یکدیگر فشار می‌آورند، در می‌آید. این برگردن کارگزاران، بویژه در رده‌های بالای دولتی، است که در برنامه‌های اقتصادی و شهرسازی به ریشه این پدیده پشت زایی، کینه پروری، و بسزه آفرینی بپردازند.

— فراهم آوری بهداشت و بنیاد فاضلاب برای شهر، در چهارچوب برنامه‌ریزیهای ملی از اولویت برخوردار گردند.

— باید آنجا که نیاز به بیمارستان، آموزشگاه، باغ ملی، و مانند آنها پیش می‌آید مفهوم مالکیت خصوصی، در راستای سود همگانی، بازنگری شود.

— کاربرد هنر، در ساختمانهای همگانی فراگیرندگی بیشتر بیاید.

— هنر معماری در شهرسازی، باید آمیزهای از سنت‌ها و پیش‌آموده‌ها را با نیازهای روز و نوآوریهای دانشی، بکار گیرد.

انجام سخن

در پایان آنچه بر جای می‌ماند داستان انسان است، اندیشه روی به او دارد، و شهر برای اوست. اما این که چگونه این شهر برای انسان خان و مانی آرامش بخش باشد بستگی به انگیزه‌ها و فراسنجه‌های بسیار دارد.

شهرهای نوین در درون یک شبکه کشوری و حتی جهانی در پیوندها و کنش‌های متقابل قرار گرفته‌اند. از این روی نه تنها فرآیندهای اقتصادی و اجتماعی کشور که تنش‌ها و سازش‌های جهانی هم آنها را به زیر تأثیر می‌گیرند. درگیریهایی جهانی در ایستار کنونی در مقیاس بس گسترده‌تر از جنگ دوم جهانی، شهرها را دستخوش نوسان می‌سازند. ۸۶ افزایش جمعیت نیز همچنان به عنوان یک بحران باقی می‌ماند. ۸۷ اما چگونگی پشت سر نهادن این خطر بستگی به روند آموزشی - اقتصادی سازمانهایی دارد که در سراسر جهان مسئولیت‌ها را به گردن گرفته یا خواهند گرفت.

بی‌گمان تلاش برای خودآگاهی یافتن انسان، تلاش برای استواری آزادی و برابری مردمان، پیکار با هر آنچه بهره‌کشی انسانی از انسانی دیگر را در پی دارد، و در هم کوبیدن هر سوداگری و داد و ستد بر سر انسان آسیب‌پذیری آدمیان را کمتر می‌سازد.

آگاهی‌های شهرنشین امروز، با آگاهیهای شهرنشین دیروز، همسنج ناشدنی‌اند،

همچنان که قدرت فرمانگزاران روزگار ما نه همان قدرت سده‌های میانه‌ای است ، اما باز باید از یک سو ، آگاهی شهرنشین امروزی هماهنگ با زمانه کنونی گردد و او بیاموزد که بسی بیش از گذشته کردن به الزامهای شهر بسپارد ، و از دگر سو "قدرت" فرمانگزاران بیش از پیش به "اقتدار" بازگونه شود ، این باور باید در منش و نهاد فرمانگزاران سرشته گردد ، یعنی باید بپذیرند ، و بسنده نیست که بر آنها پذیراند که پیوسته راه بدان سوی بسپارند که "حکومت" را به "مدیریت" نزدیکتر می‌سازد ، روشن است که در راستای این آرمان ، گسترش نهادهای مردم سالارانه ، گسترش آزادیهای فردی و همانند آنها کار سازند .

در این میانه رسالت آموزش رسالتی بس سنگین و سترگ است ، آموزشگاهها از کودکستان تا دانشگاه باید آگاهیهای سمت یابنده به سوی خودآگاهی را فزونی بخشند و البته نه به سود این و یا آن قدرت - بیالایند . آموزشگاهها باید "انصاف به عقل و بذل به فضل و ایثار به لطف" ^{۸۸} را بیاموزانند و یاد بدهند که :

- (۱) نه حکومت و نه فرد می‌توانند در دیروز جاودانه بزنند ،
- (۲) هیچ انسانی در گوهر خویش ناتوان و بی‌ابد نیست ، و
- (۳) شهر یا جامعه یک تعاون و یا یک همیاری است .

بشود که آنگاه زمین جایگهی برای آسایش باشد که ؛ *الم نجعل الارض مهادا* ^{۸۹} .

منابع و پی‌نویش‌ها

- ۱- دوما ، موریس ، مبانی تمدن صنعتی ، ترجمه عبدالله ارگانی ، انتشارات امیرکبیر ، ۱۳۶۲ ، ص ۴۵۵ .
- ۲- فشاهی ، محمدرضا ، مقدمهای بر سیر تفکر در قرون وسطی ، انتشارات گوتنبرگ ، ۱۳۵۴ ، ص ۲۳۷ .
- ۳- همان ، ص ۲۴۵ .
- ۴- وارد ، باربارا و دویو ، زنه ، تنها یک زمین کوچک ، ترجمه دکتر محمود بهزاد و محمد حیدری ملایری ، تهران ؛ شرکت سهامی کتابهای جیبی ، ۱۳۵۲ ، ص ۶۷-۱۶۶ .
- ۵- وثوقی ، دکتر منصور ، جامعه شناسی روستایی ، چاپ دوم ، تهران ؛ انتشارات کیهان ، ۱۳۶۸ ، ص ۴۶ .
- ۶- به منبع شماره ۴ مراجعه شود ، ص ۶۸-۱۶۷ .

۷- همان .

۸- گزارش سیمای جمهوری اسلامی ایران ، دوشنبه ۲۹/۸/۶۸ .

۹- اگر تنها نرخ میانگین ۲/۵ درصد افزایش جمعیت را برای جهان در حال پیشرفت بپذیریم ، باز این نرخ یک سوم تا یک دوم بیش از نرخ افزایش جمعیت در جهان پیشرفته است . (منبع شماره ۴ ، ص ۲۷۳) .

10. Xsathra Vairya .

۱۱- برای نمونه مراجعه شود به گزارش پور داود تحت عنوان پشت‌ها ، چاپ دوم ، تهران: انتشارات طهوری ، ۱۳۴۷ ، ص ۹۲ . نوشتار درباره شهرسور و خشتروئیریه (Xsathra Vairya) .

۱۲- برای نمونه مراجعه شود به تاریخ سیستان ، تصحیح ملک‌الشعراء بهار ، چاپ دوم انتشارات کلاله خاور ، ۱۳۵۲ ، ص ۶-۷ . فردوسی در شاهنامه ، ابوریحان در التفهیم و یاقوت در معجم‌البلدان ، شهر ایران و ایرانشهر را به جای کشور به کار بردماند .

۱۳- رابرت ازرا پارک تعریفی همانند ارائه داده است . مراجعه شود به پارک ، رابرت ازرا .

"نظراتی درباره بررسی شهر ، رفتار انسانی در محیط شهری . " در گروه مطالعات شهری و منطقهای . مفهوم شهر (۲) . تهران : نشر ایران ، ۱۳۵۸ ، ص ۶۸ .

۱۴- ویرت ، لوتیز . "شهرگرایی : شیوهای از زندگی . " در گروه مطالعات شهری و منطقهای ، مفهوم شهر (۲) . تهران : نشر ایران ، ۱۳۵۸ ، ص ۴۵ .

۱۵- مراجعه شود به منبع شماره ۱۳ ، ص ۶۸ .

۱۷- مراجعه شود به منبع شماره ۱۳ ، ص ۶۸ .

۱۸- رمی ، ژان . "بینش ماکس وبر " در گروه مطالعات شهری و منطقهای ، مفهوم شهر (۱) . تهران : نشر ایران ، ۱۳۵۸ ، ص ۱۲۶ .

۱۹- مراجعه شود به منبع شماره ۱۳ ، ص ۱۳۴ .

20. Ernest Burgess .

21. Rodrigue Mackenzie .

۲۲- گروه مطالعات شهری و منطقهای ، مفهوم شهر (۱) ، تهران : نشر ایران ، ۱۳۵۸ ، ص

۲۳- هاروی، دیوید، "شهر و مازاد"، در گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای، مفهوم شهر (۱)، تهران: نشر ایران، ۱۳۵۸، ص ۱۵۷.

هر چند که می‌توان گفت، از نقطه نظر یاد شده در بالا، روند پیدایی شهر در چهار گوشه جهان همانندیهای بسیار داشته است اما جهت‌گیری اقتصادی-اجتماعی شهرهای آسیای میانه و باختری با جهت‌گیری اقتصادی-اجتماعی اروپا، در دوران سده‌های میانه به یک گونه نبوده است.

از ویژگی‌های شهرها، در حوزه اسلامی در سده‌های میانه، آن است که زندگی شهری و زندگی روستایی و یا، به سخن دیگر، اقتصاد شهری و اقتصاد فئودالی (خوانندی) درهم آمیختند و فئودال‌ها زندگی در شهر را بر زندگی در دژها و یا دژ-کاخ‌های خود در بیرون از شهرها برتر شمردند. حضور فئودال‌ها در شهرها زمینه ساز پیوند میان آنان و رده‌های بالای بازرگانان گردید و این پیوند هر جنبش از سوی اصناف را در هم می‌کوبید. بهره این درهم کوبی و سرکوبی آن شد که اصناف خودمختاری و سازماندهی نیرومندی نیابند و زمینه پیدایی یک لایه نیرومند در برابر بهره‌کشان جامعه (فئودال‌ها و بازرگانان) فراهم نیاید.

اما در اروپای سده‌های میانه‌ای، و به ویژه از سده ۱۱ میلادی، کشاورزی و صنایع دستی از یکدیگر جدا شدند. این جدایی که به مفهوم تجزیه تولید اجتماعی بود، شهرها را به گونه کانون بازرگانان و پیشه‌وران درآورد. در تضاد منافع میان طبقات، بازرگانان و پیشه‌وران به اتحاد با هم رسیدند و موضع نیرومندی در برابر فئودال‌ها فراچنگ آوردند. بهره این روند آزادی و خودمختاری روز افزون شهرها در برابر فئودال‌ها بود. همین اتحاد و خودمختاری خود زمینه‌ساز پیدایی لایه بورژوازی گردید (برای بررسی بیشتر در این باره از جمله نگاه شود به: اشرف، احمد، "نظام فئودالی یا نظام آسیایی"، نشریه جهان نو شماره ۷-۵، ۱۳۴۶، ص ۱۸ و منبع شماره ۲، ص ۲۵۰-۲۲۹).

۲۴- منظور آن است که پیدایی، گسترش و پایایی بسیاری از شهرهای کنار جاده ابریشم وابسته به این جاده بوده است. به سخن دیگر، منظور آن نیست که گفته شود برافتادن جاده ابریشم تنها عامل و انگیزه ویرانی شهرهای در کنار این جاده بوده است.

۲۵- بهار، دکتر مهرداد. پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۲، ص ۷ از بخش نخست بند هش.

۲۶- مقدم، محمد، جستار در باره مهر و ناهید، دفتر نخست، تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها، ۱۳۵۷، ص ۳-۴.

27. Sippara.

- ۲۸- الیاده، میرچا. مقدمه‌های بر فلسفه‌های از تاریخ، ترجمه بهمن سرکاراتی، تبریز: انتشارات نیما، ۱۳۶۵، ص ۲-۲۱.
- ۲۹- به منبع شماره ۲۸ مراجعه شود، ص ۲۳۴.

30. Sihagiri.

31. Alakamanda (Alaka).

- ۳۲- به منبع شماره ۲۸ مراجعه شود، ص ۲۳.
- ۳۳- برتون، اسکات، تاریخ و فرهنگ ژاپن، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۲۵.
- ۳۴- به منبع شماره ۲۸ مراجعه شود، ص ۲۳.
- ۳۵- فاستر، مایکل ب. خداوندان اندیشه سیاسی، جلد نخست، بخش دوم، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۲۳۸.
- ۳۶- همان.
- ۳۷- به منبع شماره ۲۸ مراجعه شود، ص ۲۶-۳۴.
- ۳۸- دوما، موریس، مبانی تمدن صنعتی، ص ۳۸۵، و کالج، مالکوم، پارنیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۵، ص ۱۰۴.
- ۳۹- دوما، موریس، مبانی تمدن صنعتی، ص ۲۴۸، پارک، "نظراتی در باره بررسی شهر، رفتار انسانی در محیط شهری"، ص ۷۸، فشاهی، مقدمه‌های بر سیر تفکر در قرون وسطی، ص ۲۲۹، و مشکور، محمدجواد، رجب‌نیا، مسعود، تاریخ سیاسی و اجتماعی اشکانیان، چاپ دوم، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۷، ص ۸۴.
- ۴۰- Fateh Pur Sikri، این شهر را اکبر بزرگ (مغول) در ۱۵۷۱ میلادی در ۴۵ کیلومتری آگره (Agra)، بنیاد نهاد.
41. John Kenneth Galbraith (born 1908).
- ۴۲- گالبریت، جان، "شهر مدرن"، در گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای، مفهوم شهر (۲)، تهران: نشر ایران، ۱۳۵۸، ص ۱۴۵.
- ۴۳- مدنی‌الطبع.
- ۴۴- این باور به نام و با نام ارستو شناخته می‌شود، سخن ارستو چنین است:

- "انسان به حکم طبیعت حیوانی اجتماعی است . . ." (ارستو . سیاست . ترجمه دکتر حمید عنایت . چاپ سوم . تهران : شرکت سهامی کتاب‌های جیبی ، ۱۳۵۸ ، ص ۵) .
- اندیشه پردازان سرزمین‌های اسلامی از فارابی تا ابن خلدون همین تعریف را به کار گرفته‌اند . برای نمونه نگاه شود به (ابن خلدون ، عبدالرحمن . مقدمه ، جلد نخست . ترجمه محمد پروین گنابادی . چاپ سوم . تهران : بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ۱۳۵۸ ، ص ۷۷) .
- ۴۵- گوتة آلمانی گفته است : " در آغاز عمل بود ."
- ۴۶- برای نمونه نگاه شود به : بارت ، آنتونی . انسان . ترجمه محمدرضا باطنی و ماه‌طلعت نصرآبادی . چاپ دوم ، تهران : نشر نو ، ۱۳۶۶ ، فصل یکم .
- ۴۷- برای نمونه مراجعه شود به منبع ۴۶ ، ص ۱۴ .
- ۴۸- "اجتماع نوع انسان اجتناب ناپذیر و ضروری است ." مراجعه شود به ارستو . سیاست . ص ۵ . و ابن خلدون . مقدمه . جلد نخست . ص ۷۹ .
- "زندگانی اقوام و ملت‌های بیابانگرد و شهرنشین ، هر کدام برحسب ضرورت به شیوه‌ای می‌گرایند که اجتناب ناپذیر است ." (ابن خلدون . مقدمه . ص ۲۲۷) .
- ۴۹- ابن خلدون ، مقدمه . جلد دوم ، ص ۶۷۳ و ۷۲۹ . این دیدگاه ابن خلدون به دیدگاه امیل دورکیم ، درباره پیدایی شهر بسیار نزدیک است . (مراجعه شود به دورکیم ، امیل . تقسیم کار اجتماعی . ترجمه حسن حبیبی ، تهران : انتشارات قلم ، ۱۳۵۹ ، ص ۳۰۴-۲۹۹) .
- ۵۰- مهدی ، محسن . فلسفه تاریخ ابن خلدون . ترجمه مجید مسعودی . تهران : بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ۱۳۵۲ ، ص ۶۷-۲۶۶ .
- ۵۱- ستیس ، و . ت . فلسفه هگل ، ترجمه حمید عنایت . تهران : شرکت سهامی کتاب‌های جیبی ، ۱۳۴۷ ، ص ۷۴-۵۷۳ .
- ۵۲- همان ، ص ۵۷۵ .
- ۵۳- مراجعه شود به منبع شماره ۵۰ ، ص ۵۲-۲۵۱ .
- ۵۴- سینجر ، هل . اقتصاد سیاسی شهرنشینی . ترجمه مهدی کاظمی بیدهندی و فرخ حسامیان . تهران : نشر ایران ، ۱۳۵۸ ، ص ۱۵ .
- ۵۵- چاپلند ، گوردون . انسان خود را می‌سازد ، ترجمه احمد کریمی حکاک و محمد هل آتایی ، چاپ سوم . تهران : شرکت سهامی کتاب‌های جیبی ، ۱۳۵۷ ، فصل چهارم تا هشتم .

- ۵۶- بروشه، گی. تفهیرات اجتماعی. ترجمه منصور وثوقی. تهران نشر نی، ۱۳۶۶، ص ۵۳-۶۸.
- ۵۷- چایلد گوردون. تاریخ. ترجمه سعید حمیدیان. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۵، ص ۲۶-۳۰.
- ۵۸- شرودینگر، اروین. علم، نظریه و انسان. ترجمه احمد آرام. چاپ دوم. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۹، ص ۹۶.
59. Guy Rocher.
- ۶۰- مراجعه شود به منبع ۵۶، ص ۶۶.
61. Arnold Pacey
- ۶۲- پیسی، آرنولد. تکنولوژی و فرهنگ. ترجمه بهرام شالگونی. تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۷، ص ۴۲.
63. Solly Zucherman.
- ۶۴- منبع ۶۲.
- ۶۵- واژه‌های "کلان شهر"، "ابر شهر"، "میانین شهر" از دکتر امیرحسین آریان‌پور می‌باشند. مراجعه شود به آگ برن و نیم کوف، زمینه جامعه‌شناسی. اقتباس ا.ح. آریان‌پور. چاپ یازدهم. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۷، ص ۸۱-۲۸۰.
- ۶۶- همان.
- ۶۷- بورکهارت، تیتوس. "هنر اسلامی"، ترجمه غلامرضا اعوانی. نشریه انجمن فلسفه ایران. شماره دوم، ۱۳۵۵، ص ۲۱.
- ۶۸- ناجی، مهدی. "پایان تمدن کاریزی"، مجله سخن، دوره ۲۲، خرداد ۱۳۵۲، ص ۹۴۰.
- ۶۹- جکسن، ابراهام و پلیامز. ایران در گذشته و حال (سفرنامه). ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۲، ص ۱۷۴.
70. Marshal L. Konev. Year of Victory. Moscow: Progress publishers, 1969, p. 80.
- ۷۱- ابن اخوه (محمد بن محمد بن احمد قرشی). آئین شهرداری (معالم القریه فی احکام الحسبه). ترجمه جعفر شعار. انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۷، ص ۱۲۲.
- ۷۲- پنالوزا، انریک. "مسکن بشر و محیط زیست"، بیست و دومین کنگره جهانی اتحادیه بین‌المللی سازمانهای محلی و شهرداریها، فروردین ماه ۱۳۵۴، تهران: انتشارات اتحادیه شهرداریهای کشور، ۱۳۵۴، ص ۷۳.

- ۷۳- اشعیا ، پیامبر یهود ، از اورشلیم و بابل چون زنان یاد می‌کند ،
سپنتا آرمیتی (سپندار مذ) ، کدبانوی مینوگان است و فرشته نگهبان زمین .
آرمیتی به معنای زمین است و زمین آن است که می‌پذیرد .
در اسطوره‌های هندی ، "اوراورا" ، همسر ایندرا خدای محبوب ودایی ، تا اندازه‌ای
بسان سپنتا آرمیتی است . "اوزاورا" به معنای باوری می‌باشد .
فخرالدین اسعد گرگانی در باره دیلمان می‌گوید : "هنوز آن مرز دوشیزه بماندست .
برو یک شاه گام دل نراندست" (ویس و رامین ، به تصحیح مینوی ، ص ۴۹۵) .
- ۷۴- "گفت و گو با مک لوهان" ، مصاحبه اکسپرس ، ترجمه قاسم صنعوی ، مجله سخن ، دوره
بیست و یکم ، ۱۳۵۰ ، ص ۷۶۴ .
- ۷۵- اسلامی ندوشن ، محمد علی . صغیر سیمرغ (یادداشت‌های سفر) . تهران :
انتشارات توس ، ۱۳۵۲ ، ص ۱۶۸ .
- ۷۶- دیوبار ، سیمون . نقد حکمت عامیانه . ترجمه دکتر مصطفی رحیمی تهران :
انتشارات آگاه ، ۱۳۵۲ ، ص ۱۱۵ .
- ۷۷- لمغان شهری بوده است در گستره فرمانروایی غزنویان . در زمان سلطان محمود ، خواجه
احمد میمندی وزیر سلطان ، دو سال پی در پی خراج را بر مردم این شهر بخشید .
لمغانیان طمع ورزیدند و در سال سوم هم درخواست بخشش نمودند . وزیر به آنان
پاسخ داد : الخراج خراج اداه دواه . (خراج دمل هزار چشمه است . درمان آن بیرون
آوردن است .) نخجوانی ، محمد بن هندوشاه . دستورالکاتب فی تعیین المراتب ،
به سعی و اهتمام و تصحیح عبدالکریم علی‌اوغلی علیزاده . فسکو ، ۱۹۷۶ ، جزء اول از
جلد یکم ، ص ۱۱۲ .

78. Entropy

- ۷۹- برای بررسی بیشتر نگاه شود به :
وینر ، نوربرت : "استفاده انسانی از انسانها (سیبرنتیک و جامعه)" ، ترجمه
مهرداد ارجمند ، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ، چاپ نخست ، ۱۳۶۶ ، فصل
۲ .
- ۸۰- در یک دید جامعه شناسانه : "پیشرفت به مفهوم تکامل اجتماعی ، عبارت است از پذیرش
یا استعداد زنده ماندن در شرایط ویژه" ، وود ، شرمس . دیدگاه‌های نوین جامعه
شناسی ، ترجمه و تلخیص مصطفی ازکیا ، انتشارات کیهان ، ۱۳۶۶ ، ص ۲۵۸ .

زبان سعدی برای بیان خوشبینانه در بارهٔ پیشرفت، رسا است؛ "رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند"،
 گوته، در افسانه فاوست می‌گوید: "پایان کار نه رنج که رهایی است."
 مرگ هم که فرا رسید چه باک؟ از دیدگاه دین‌های آسمانی (الهی)، مرگ رهیافتی به جاودانگی و کمال روز نخست است.

81. Anti - entropy

۸۲- برای نمونه نگاه شود به فره وشی، دکتر بهرام، جهان فروری، چاپ دوم، تهران؛ انتشارات کاویان، ۱۳۶۴، ص ۲۳+.

83. Ecumenopolis.

۸۴- "اگر آدمی بگذارد جدایی و دشمنی و طمع بر رفتارش غلبه کند، توازن محیط سیاره خود را ویران خواهد ساخت و اگر چنین ویرانی به بار آید دیگر زنده نخواهد ماند."
 مراجعه شود به منبع شماره ۴، ص ۹۵-۸۹.

۸۵- برابر نظریه قطاعی "اگر ناحیه‌ای از خانه‌های لایه (طبقه) بالای جامعه به هستی آید گرانترین محوطه برای خانه‌های نوبنیاد در کنار لبه بیرونی این ناحیه جای خواهد گرفت و در درازنای یک دوره گسترش شهری، بهره این فرآیند آن خواهد بود که ناحیه مسکونی لایه یاد شده گرایش بیشتری به جای گرفتن در یک سوی شهر خواهد داشت. (جانسون، جیمز، جغرافیای شهر، ترجمه گیتی اعتماد، تهران؛ انتشارات دانشگاه ملی تهران، ۱۳۵۲، ص ۲۱۴-۲۱۲).

۸۶- پیامدهای جنگ تجاوزکارانه عراق و یارانش بر ضد میهن ما، گواه این جستار است.

۸۷- اگر نرخ افزایش جمعیت جهانی تنها ۲ درصد در سال باشد، جمعیت جهان در هر چرخش ۳۵ ساله دو برابر می‌گردد. نگران کننده‌تر آن که این نرخ در جهان سوم میان ۲/۵ تا ۳ درصد در سال است (برای بررسی بیشتر در باره این گونه‌آمارها و بررسی‌ها، از جمله، مراجعه شود به منبع شماره ۴، فصل ۱۵).

۸۸- انصاری هروی، خواجه عبدالله، صدمیدان، به اهتمام سی - دی بورکی، مؤسسه فرانسیسی باستان شناسی شرقی، ۱۹۵۴، ص ۱۵.

۸۹- "الم نجعل الارض مهادا" (آیا ما زمین را گهواره آسایش نیافریدیم؟) قرآن کریم، سوره ۷۸، آیه ۶.

وَعَلَىٰ كُنُوزِ اللَّهِ نَعْرَضُ الْأُمَمَاتُ

باعرضہ کردن امور برستہ آن میوان میزان حق و باطل آنها را شناخت . علی علیہ السلام

پرویش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی